

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شماره ۵۳

آذرماه ۱۳۸۹ دسامبر ۲۰۱۰

toufan@toufan.org www.toufan.org

شانزده آذر، روز پیکار متحد دانشجویان علیه استبداد و استعمار گرامی باد! ص. ۲



طرحی که هدفمندانه گلوی کارگران و زحمتکشان افغان را می فشارد! ص. ۳

به بهانه شصت و دومین سالگرد تصویب حقوق بشر

چرا حقوق بشر کمونیستی؟ ص. ۴

افشاء سیاست‌های دورویانه امپریالیست‌ها و حقوق بشر ص. ۶

اعتصاب سراسری به مناسبت روز دانشجو ص. ۷



روز قطعی جدال یعنی قهرانقلابی ص. ۸

اشغال عراق: جنگی برای نابودی مغنویات مردم عراق ص. ۹



اصلاح قانون کار یا نابودی دستاوردهای زحمتکشان - بیانیه مشترک ص. ۱۱



شانزده آذر، روز پیکار متحد دانشجویان علیه استبداد و استعمار گرامی باد!



بار دیگر ۱۶ آذر روز اعتراض و پیکار متحد دانشجویان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم فرامی رسد. ۱۶ آذر ۱۳۳۲ روزی است که نیکسون جنایتکار، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا پس از کودتای ننگین "سیا" به ایران آمده بود. این امر در شرایطی صورت می گرفت که عمال امپریالیسم بر سر کوی و بازار، کارخانه و مزرعه، مدرسه و دانشگاه با سلاح گرم و با چوب و چماق و چاقو خفقان می آفریدند و دانشجویان انقلابی و مبارز ناقوس مرگ رژیم بیدارگر کودتا و اربابانش را در دانشگاه به صدا درآوردند. در این روز سه تن از دانشجویان انقلابی و میهن پرست شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا قلب جوانشان طعمه رگبار آتشبار دشمن نابکار گشت و خون پاکشان همچون جویباری از دانشگاه سرازیر شد و با خون زحمتکشانشان در آمیخت تا پیوسته یاد آور همبستگی ضد استبدادی، ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دانشجویان و عموم مردم آزادیخواه ایران باشد. جنبش چند سال اخیر دانشجویی ایران با الهام از نسل گذشته و دستاوردهای پربار و ارجمندی که این نسل برای آنها به ارث گذارده است خیزش انقلابی و خیره کننده ۱۸ تیر ۷۸ را آفرید که با جنبش دموکراتیک، ضد سلطنت و ضد امپریالیستی پیوند خورد. این جنبش ناقوس مرگ رژیم اسلامی را به صدا درآورد و همانند ۱۶ آذر بازتاب درد و رنج عمومی مردم ایران بود. امسال در شرایطی به استقبال ۱۶ آذر می رویم که اعتراضات متنوع دانشجویان در سراسر ایران گسترش و دامنه بیشتری یافته است. دانشجویان در سنگر علم و روشنائی در مقابل جهل و نادانی صف آرایی کرده اند. تشدید اعتراضات دانشجویان در ماه های اخیر در دفاع از همکلاسی های در بند خود و همین طور سایر زندانیان سیاسی، علیه امنیتی شدن فضای دانشگاه و جامعه، علیه انسداد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و علیه دخالت در حوزه خصوصی دانشجویان و تلاش برای حق زندگی آزاد برای دانشجویان و همه شهروندان ایرانی و استقلال دانشگاه از حاکمیت، تحسین بر انگیز است. اعتراضات به حق دانشجویان، بازتاب نارضایتی عمیق توده مردم در ایران است. بازتاب فقر و فساد و گرانی و بی حقوقی در جامعه است. بازتاب زندان و سرکوب و شکنجه، بازتاب زورگوئی ها و خودکامه گی های بی حد و حصری است که قلم قادر به تصویر کشیدن این همه جنایت و پلیدی ها نیست.

دانشجویان عزیز، باید بر امر اتحاد سراسری دانشگاه های ایران و خواسته های مشترک ضد ارتجاع جمهوری اسلامی، ضد امپریالیستی و عدالتخواهانه تکیه کنند و از تفرقه و پراکندگی پرهیز نمایند. باید به یاد داشت که افق های سیاسی شریعت رضوی، بزرگ نیا و قندچی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در مقابله با ارتجاع و استبداد و امپریالیسم جان فدا کردند، یکی نبود لیکن در برابر دشمن واحد چون تن واحد قیام کردند و به همه یاران و رفقای دانشجویی خود آموختند که در مبارزه برای آرمان مشترک مردم ایران باید متحداً بپاخاست. حزب ما نیز با احترام به این سنت درخشان دانشجویی ایران برپیکار متحدانه و پیوند با کارگران و زحمتکشانشان تأکید می ورزد و ایمان دارد که مبارزات حق طلبانه دانشجویان، کارگران و زنان و جوانان و همه آحاد مردم ایران سرانجام تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سرنگون و میهن را از شر دیو استبداد و استثمار و تمام مظاهر نظام کهن و بقایای قرون وسطائی رها خواهد ساخت و جز این نیز نخواهد بود. حزب ما از خواست آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی، وکلای مستقل و شریف ایران، از خواست آزادی فوری همه فعالین کارگری، از آزادی بیان و عقیده، از حقوق اساتید اخراجی و بازگشت آنها به دانشگاه، از جدائی دین از دولت و پیوند این مطالبات با مبارزه علیه هرگونه تحریم اقتصادی ایران و تجاوز و دخالت خارجی دفاع می کند و این امر را از جمله وظایف مهم دانشجویان چپ و انقلابی ایران می داند.

جنبش دانشجویی میهن ما مانند موج، آرامش پذیر نیست و این مبارزات در پیوند با کارگران و سایر زحمتکشانشان تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت.

زنده باد ۱۶ آذر، روز دانشجو، روز پیکار متحد دانشجویان علیه استبداد و استعمار!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

آذر ماه هزار و سیصد و هشتاد و نه خورشیدی

www.toufan.org

طرحی که هدفمندانه گلوی کارگران و زحمتکشان افغان را می فشارد!

حذف یارانه حامل‌های انرژی و کالاهای مصرفی و خدماتی علاوه بر این که باعث افزایش هزینه زندگی مردم به طور مشخص در رابطه با این قبیل کالاها می شود؛ به طور غیر مستقیم به علت افزایش قیمت تمام شده تولیدات صنعتی و کشاورزی تأثیر خود را در افزایش تمام کالاها از جمله هزینه، مسکن خواهد گذاشت.

طبق پیش بینی‌های دستگاه حاکمه به منظور پیشگیری از شورش‌های اجتماعی ناشی از افزایش سریع و شدید تورم و مشکلات اقتصادی، پرداخت نقدی ماهیانه می تواند مرهمی بر دردهای آنان باشد؛ ولی برای حدود دو میلیون کارگر و زحمتکش افغانی که از لحاظ درآمدی جزء پایین ترین دهک‌های درآمدی هستند پرداخت نقدی در نظر گرفته نشده است.

پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای استعمارگر و امپریالیستی سیل مهاجرین افغانی به ایران آغاز شد. افغان‌ها فاقد حقوق در ایرانند. آنها باید در شرایط غیر انسانی کار کنند. در اردوگاه‌ها بسر برند، کار آنها کار سیاه است. کودکان بی سرپرست افغانی خیابان‌های شهرهای ایران را پر کرده‌اند و از این وضعیت غیر انسانی رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران ایرانی برای نیات شوم اقتصادی و سیاسی خویش سود می جویند. کارگران و زحمتکشان مهاجر افغان که بدون برخورداری و حمایت از هیچ قانونی بیش از سی سال در چنگال گرگ‌های سرمایه‌دار رها بوده‌اند و در سخت ترین شرایط کاری در کوره پزخانه‌ها و سنگبری‌ها و کارهای ساختمانی و راه سازی و حفاری چاه و کانال و تخلیه فاضلاب‌ها و جداسازی زباله و جمع آوری ضایعات پلاستیک و گنداب گاوداری‌ها و مرغداری‌ها و کارهای سنگین کشاورزی مشغول بوده و با بیرحمی تمام، بدون حداقل حقوق و حساب و کتاب و ساعت کار و بیمه، برده وار به کار کشیده شده و استثمار شده و از قَبَلِ نیروی کار ارزان آنها، سودهای هنگفتی به جیب زده و صدها نفر آنها در اثر حوادث کار جان باخته و خانواده‌های آنها تنها نان آور خود را از دست داده‌اند و هزاران نفر معلول شده‌اند. آنها در بدترین شرایط در بیغوله‌های حاشیه شهرها زندگی کرده و فرزندانشان محروم از تحصیل به کار در کوره پزخانه‌ها و کارگاه‌ها و قالی بافی‌ها مشغول شده و در فقر و فلاکت و نبود آموزش و بهداشت و درمان به سر می برند اکنون با فشار مضاعفی بر گلوی نحیفشان توسط حاکمیت اسلامی روبرویند.

طبق آمار رسمی در حال حاضر ۸۵۰ هزار کارگر افغانی در ایران شاغل هستند که با توجه به کمی دستمزد و ساعات کار بیشتر و نبود بیمه و تعطیلات و مرخصی و تشدید استثمار آنها نسبت به کارگران ایرانی، اگر ارزش افزوده ناشی از کار هر کارگر افغانی را در یک ماه برابر با ۳۰۰ هزار تومان فرض کنیم، ارزش افزوده کار کارگران مهاجر افغان برابر با ۳ میلیارد و ۶۰ میلیون دلار در سال می شود. این که کارگران و زحمتکشان مهاجر افغان نه تنها باری بر دوش جامعه ایران نیستند بلکه منبع ایجاد ثروت و درآمد هم برای جامعه و هم برای سرمایه‌داران و هم حکومت است واقعی است انکار ناپذیر. دولت ایران هر ساله مبلغ نامشخصی بابت حضور ۲ میلیون مهاجر افغان از سازمان ملل کمک دریافت می کند بدون این که در این رابطه کوچک ترین خدماتی ارائه دهد. در ضمن سالانه بیش از صد میلیون دلار بابت تعویض یا تمدید اجازه اقامت شش ماهه و صدور ویزا از نمایندگی‌های ایران در افغانستان و مبلغ دریافتی از مهاجرین اخراج شده، درآمد دارد.

این که چرا جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش حقوق انسانی و شهروندی این زحمتکشان نیست، این که چرا نباید قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و خدمات درمانی و بازنشستگی شامل کارگران مهاجر افغانی هم شود، این که چرا نباید پرداخت نقدی طرح هدفمندی شامل این زحمتکشان و پائین ترین دهک درآمدی جامعه هم شود و این که چرا مقامات جمهوری اسلامی با دروغ و نیرنگ و خدعه رسماً و علناً دست به تبلیغات ماکیاولیستی علیه مهاجرین افغانی می زند نه در نگرش ناسیونالیستی آنها بلکه در ماهیت طبقاتی آنها نهفته است. این که کارگران و زحمتکشان افغان به عنوان ضعیف ترین حلقه از زنجیره کار و زحمت در ایران مورد تعرض و بی حقوقی و فشار مضاعف قرار گیرند در این حاکمیت مافیائی ضعیف کش پدیده عجیبی نیست. در جامعه‌ای که بیش از هشتاد درصد نیروی کار آن استخدام رسمی نیستند و از چتر حمایتی قانون نیم بند کار برخوردار نیستند و هیچگونه امنیت شغلی ندارند. در جامعه‌ای که کارگران را به خاطر تلاش در جهت تشکیل سندیکای مستقل کارگری به اخراج و زندان و شکنجه محکوم می کنند و اعضای خانواده و بستگان آنها را مورد تهدید و تعرض قرار داده و فرزندانشان آنها را گروگان می گیرند، انتظار برخورد انسانی و شرافتمندانه از چنین حاکمیتی دور از ذهن است.

آنچه که عمال سرمایه و دولتمردان علیه کارگران افغانی انجام می دهند خوی و سرشت سرمایه است. جنایاتی که دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی علیه این کارگران روا می دارد هیچ دست کمی از جنایات نازی‌ها علیه بشریت، جنایات سرمایه جهانی علیه آوارگان فلسطین یا جنایات نژادپرستان رودزیا علیه سیاهان ندارد. کارگران افغانی چندین دهه است که توسط سرمایه‌داران خون آشام ایرانی به سبانه ترین شکل ممکن استثمار می شوند. مسئله بسیار مهم و اساسی در اینجا وظیفه‌ای است که بر دوش توده‌های کثیر کارگر مقیم شهر شیراز و سایر شهرهای اطراف سنگینی می کند. این کارگران هستند که باید بدون هیچ هراسی در حفظ جان هم زنجیران افغانی خویش بکوشند. آنان هستند که باید آوارگی و بی سرپناهی کودکان افغانی را آوارگی و در به دری کودکان خود تلقی کنند. این وظیفه انسانی و طبقاتی مفروض کل کارگران ایران است که با صدای رسا و قامت استوار به حمایت از کارگران افغانی برخیزند. در یک کلام این وظیفه اخلاقی و وجدانی و انترناسیونالیستی همه کارگران و زحمتکشان ایرانی است که از رفقای کارگر و زحمتکش افغانی خود با تمام قوا حمایت کنند و در مبارزه با طبقه سرمایه‌دار و حاکمیت مافیائی جمهوری اسلامی در تقویت همبستگی طبقاتی خود بکوشند.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه داری، فاشیسم، صهیونیسم و امپریالیسم!

به بهانه شصت و دومین سالگرد تصویب حقوق بشر

(۱۰ دسامبر ۱۳۴۸)

چرا حقوق بشر کمونیستی؟

فریدریش انگلس در اثر جاودانی خود "آنتی دورینگ" (بر ضد دورینگ) درباره مقولات تاریخی - اجتماعی نظیر آزادی، برابری و حقوق انسانی بر ضد نظریات آقای دورینگ بپاخاسته و ماهیت تساوی طلبی و حقوق انسانی مورد ادعای بورژوازی را برملا ساخته است و می نویسد:

« همین که در اثر پیشرفت اقتصادی جامعه، خواست آزادی از قید و بند فئودالی و ایجاد تساوی حقوق از طریق نابودی ناعدالتی‌های فئودالی در دستور روز قرار گرفت، می باید ابعاد وسیع تری می یافت. اگر این تساوی حقوق برای صنعت و تجارت مطرح می شد، می باید برای انبوه دهقانان هم کمال تساوی حقوقی مطرح شود، دهقانانی که در مراحل مختلف وابستگی سرواژ بسر می بردند و قسمت اعظم ساعات کار خود را بدون اجرت برای اربابان محترم فئودال کار می کردند و علاوه بر آن باید به فئودال‌ها و دولت هم باج و خراج می پرداختند. و راه دیگری جز این نبود که لغو امتیازات فئودالی و آزادی اشراف از مالیات و دیگر امتیازات سیاسی اقشار مختلف نیز درخواست گردد. و از آنجا که انسان‌ها در یک حکومت جهانی نظیر امپراتوری روم زندگی نمی کردند، بلکه در نظامی از دولت‌های متفاوت و مستقل و در عین حال مرتبط با یکدیگر بسر می بردند، دولت‌هایی که در مرحله‌ای تقریباً یکسان از تکامل سرمایه‌داری قرار داشتند، بدیهی بود که خواست‌ها خصوصیتی عمومی و فرارونده تر از مرزهای یک دولت یافت و خواست آزادی و تساوی، به عنوان **حقوق بشری** اعلام شد. در حالی که خصوصیت ویژه حقوق انسانی در سرمایه‌داری چنان است که مثلاً قانون اساسی آمریکا که نخستین قانونی است که حقوق بشر را به رسمیت می شناسد، در عین حال نیز برده بودن سیاهان آمریکا را هم تأیید می کند: امتیازات طبقاتی تحقیر و امتیازات نژادی تقدیس می شود.

بر همگان آشکار است که از لحظه‌ای که بورژوازی از لاک پیشه‌وری فئودالی سر بر می آورد، از هنگامی که طبقه میانه حال قرون وسطی به طبقه‌ای مدرن تبدیل می شود، همواره و ضرورتاً توسط سایه‌اش یعنی پرولتاریا، تعقیب می شود. و به همین منوال هم، خواست‌های تساوی طلبی بورژوازی با خواست‌های تساوی طلبی پرولتاریا همراه است (تکیه از توفان). از لحظه‌ای که خواست بورژوازی برای الغاء امتیازات طبقاتی مطرح می گردد، همراه با آن، خواست پرولتاریا برای نابودی خود طبقات مطرح می شود - ابتداء در شکل مذهبی‌اش با اتکاء به مسیحیت اولیه و سپس با استناد به تئوری‌های تساوی طلبی خود بورژوازی - پرولتاریا بورژوازی را به بازخواست می کشد که تساوی طلبی نباید فقط ظاهری و در سطح دولت باشد، بلکه باید به طور واقعی و در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی هم تحقق یابد. و مشخصاً از زمانی که بورژوازی فرانسه از زمان انقلاب کبیر، تساوی بورژواها را در صدر مسائل قرار داد، پرولتاریای فرانسه هم قدم به قدم با خواست‌های تساوی اجتماعی، اقتصادی به او پاسخ داده است، مساوات به طور عمده به صلابت جنگ پرولتاریای فرانسه مبدل شد (تکیه از توفان).

بدین ترتیب خواست مساوات از زبان پرولتاریا معنایی دوگانه دارد (تکیه از توفان). یا - آن طور که مشخصاً در اوایل دیده می شود، مثلاً در جنگ‌های دهقانی - واکنشی است طبیعی علیه بی عدالتی‌های اجتماعی سر به فلک کشیده، علیه تفاوت عظیم فقرا و اغنیاء، اربابان و برده گان، شکمبارگان و گرسنگان، که در چنین حالتی بیان ساده‌غریزه انقلابی است و تنها از این جهت است که حقانیت دارد. و یا این که خواسته‌ایست که از واکنش در مقابل تساوی طلبی بورژوازی به وجود آمده، که در مقابل خواست‌های بورژوازی خواسته‌های کمابیش درست و پیشرفته تری مطرح می کند و از آن به عنوان وسیله تبلیغاتی استفاده می جوید تا کارگران را با ادعای خود سرمایه‌داران، علیه سرمایه‌داران بشوراند.

در این مورد، بود و نبود چنین اراده‌ای به مساوات سرمایه‌داری وابسته است. در هر مورد، محتوی واقعی خواست تساوی طلبی پرولتاریا، خواست نابودی طبقات است. هرگونه خواست تساوی طلبی که از این خواست فراتر رود، ضرورتاً به خواستی میان تهی منجر می شود. (آنتی دورینگ بخش ۱۰ اخلاق و حقوق-مساوات).

پرولتاریا که مانند سایه بورژوازی را تعقیب می کند نباید دستاوردهای بورژوازی را در عرصه مبارزه دموکراتیک و حقوق بشر و تساوی طلبی و... به دور افکند بلکه باید ماهیت این تساوی طلبی، مشروط و ریاکارانه بودن آن را نشان دهد. پرولتاریا همواره آگاه است که انسان‌ها زمانی به حقوق انسانی خویش دست پیدا می کنند که طبقات از بین بروند و تازه در چنین جامعه‌ای حق به مثابه میزانی برای سنجش ناعدالتی‌های اجتماعی ضرورت خویش را از دست می دهد. در جایی که نیروی برای سرکوب سیاسی و ضایع کردن حقوق انسان‌ها و تکیه بر امتیازات طبقاتی موجود نباشد مفهومی به عنوان "حق" و "حقوق بشر" نیز ضرورت بقاء خویش را از دست می دهد.

به این جهت پرچم مبارزه برای تحقق حقوق بشر در دست پرولتاریا از جنبه تبلیغاتی و افشاء دسیسه‌ها و دورویی بورژوازی مهم است. پرولتاریا می داند که مقوله حقوق بشر مقوله‌های تاریخی و اجتماعی است و به تدریج با تکامل جوامع به صورت نطفه به وجود آمده، تحول یافته در دوران سرمایه‌داری بالغ گشته و در دوران امپریالیسم پا به سن گذاشته و در دوران گذار به کمونیسم و جامعه کمونیستی عمرش به پایان رسیده و زایل می گردد. حقوق بشر امری ابدی و جاودانی و مقدس نیست.

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستنی مبارزه ضد امپریالیستی است

بورژوازی امپریالیستی امروزه می خواهد از "حقوق بشر" که در تناقض کامل با ماهیت تجاوزگرانه امپریالیسم قرار دارد پرچم مبارزه تبلیغاتی خویش را بسازد. در همه جوامع طبقاتی حقوق بشر کمابیش نقض می شود. این نقض حقوق به صورت زندان و شکنجه و اعدام است و یا اشکال نژادپرستانه و ضد خارجی به خود می گیرد. این نقض حقوق بشر به صورت لشکرکشی و آدمکشی با متمدنانه ترین سلاح‌های گشتار جمعی است. آدمکشی امپریالیسم در یوگسلاوی، عراق و افغانستان از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است. امپریالیسم حق حیات را از بشر می گیرد. امپریالیسم خود را به مقامی می رساند که کلاه داوری را بر فرق خویش گذارده و تعیین می کند که چه کسی برارنده این حق است و چه کسی نیست. وی تعیین می کند که نقض حقوق بشر کیست و چه قیافه‌ای دارد. در دوران امپریالیسم که تصمیمات رنگ جهانی به خود می گیرد این امپریالیسم است که خودش می برد و می دوزد و شتر این خیاط باشی روزی در خانه همه خواهد خوابید. نقض حقوق بشر در ماهیت امپریالیست‌هاست. امپریالیست‌ها با قدرت توپخانه تبلیغاتی بی نظیر تاریخی خویش، با قدرت عظیم ماشین افکار عمومی سازی خویش پذیرش جنایات امپریالیست‌های متمدن و "سکولار" و مدرن را به امری متعارف و عام بدل می کنند. چنین جنایاتی توسط بورژوازی امر جدیدی نیست. آقای دورینگ در کتاب خویش در نزاع میان دو گروه از انسان‌ها به توجیه چنین اعمال زشتی دست زده و می نویسد:

« چنان چه یکی از آنها بر اساس علم و حقیقت و دیگری بر اساس خرافات و پیش داوری عمل کند... در چنین حالتی معمولاً باید جریانات مخالف یک دیگر به وجود آیند... و در مرحله معینی از این بی لیاقتی، ناپختگی و شرارت باید تصادماتی رخ دهد... این تنها بچه‌ها و دیوانگان نیستند که قهر، آخرین حربه علیه آنهاست. خصوصیت دستجات طبیعی و یک طبقه متمدن انسان‌ها می تواند برای تحمیل خواست‌های خصمانه و نابجای خود، تبدیل این خواسته به حلقه‌ای از رابطه اجتماعی را به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل سازد. اراده بیگانه هم هنوز در اینجا اراده‌ای متساوی‌الحقوق است، ولی به علت نابجا بودن این خواست و عملکرد خصمانه و مضرانه‌اش، ایجاد فعالیت برای برقراری تعادل را موجب می شود، و اگر در اثر اعمال قهر متحمل رنج شود، در چنین حالتی تنها ثمره بیعدالتی‌اش است که حاصلش می گردد... »

بر این اساس آن نیروئی که خویش را عالم و حقیقت خواه می نماید محق است نیروی دیگری را که خرافاتی بوده و پیشداورانه عمل می کند و به علت بی لیاقتی و ناپختگی و شرارتش موجبات تصادمات را ایجاد کرده است با اعمال قهر خویش مطیع سازد. این اعمال قهر چنین توجیهی می شود که برای ایجاد حلقه‌ای از رابطه اجتماعی به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل شده است. این اعمال قهر خصمانه ایجاد فعالیت برای برقراری تعادل است. البته تعادلی که قوای قهریه خواهان آن است. فریدریش انگلس در همان کتاب با تکیه بر این طرز تلقی می نویسد:

« "تساوی کامل" این دو اراده را از بین برده و اخلاقی به وجود آورد که مطابق آن همه جنایت‌های دولت‌های غارتگر متمدن علیه خلقهای عقب مانده و حتی عملیات مسموم کننده روس‌ها در ترکستان توجیه پذیر باشد. هنگامی که ژنرال "کافمن Kaufmann" در تابستان ۱۸۷۳ بر قبیله جمود از قبایل تاتار شبیخون زد، چادرهایشان را سوزاند و زنان و کودکان را به نحو "مرسوم قفقازی" آن گونه که دستور بود قطعه قطعه کرد، مدعی شد که به علت خواست نابجا و خصمانه جمودها و به خاطر تبدیل این خواست به حلقه‌ای از روابط اجتماعی، همه این اعمال ضرورتی اجتناب ناپذیر و وسایل به کار برده شده هدفمند بوده و کسی که هدف را می خواهد باید وسیله را هم بخواهد... »

خواننده می تواند به جای نام آقای کافمن نام جرج دبلیو بوش را بگذارد و به جای قبیله جمود نام صدام حسین و یا کشور عراق را به کار برد. نظریاتی که انگلس در میان سال‌های ۱۸۷۷ تا ۱۸۷۸ بیان کرده هنوز تازه گی خود را حفظ کرده است.

امروز گشتار و جنایت امپریالیست‌ها "به علت خواست نابجا و خصمانه جمودها و به خاطر تبدیل این خواست به حلقه‌ای از روابط اجتماعی"، "به ضرورتی اجتناب ناپذیر مبدل شده است". و به این ترتیب اقدامات بازدارنده و سلطه گرای امپریالیستی یعنی "این اعمال قهر خصمانه ایجاد فعالیت برای برقراری تعادل است".

بشریت امروز با همان اوضاع گذشته در شکل نوینی روبرو شده است. امپریالیست‌ها می خواهند با تلاش برای ایجاد آن روابط اجتماعی که مورد پسند آنها نیست مبارزه کنند و این کار را ضرورت اجتناب ناپذیر جا زده و جنایات خویش را توجیه می کنند. از این بحث باید نتیجه گرفت که در شرایط سلطه جهانی امپریالیستی تأثیرات این تبلیغات و اقدامات بسیار گسترده تر و عمیق تر است.

کمونیسیت‌ها در عین حمایت از حقوق بشر باید مرزبندی‌های خویش را با "بشر دوستی" کاذب بورژوازی و امپریالیستی روشن کنند. هرگز نباید مرز میان این بشردوستی کمونیسیتی و امپریالیستی مخدوش شود. آنها که در پی مخدوش کردن مرز میان این دو نوع بشر دوستی هستند و عملاً نیز مرز میان سازمان‌های مترقی بشر دوست و سازمان‌های بشر دوست امپریالیست ساخته را می زدایند، تلاش دارند در زیر نقاب بشر دوستی همان جنایات کافمن را در ترکستان توجیه کنند. اعمال خشونت و آدمکشی آنها ضرورت تاریخی به حساب آمده و برای برقراری تعادل امپریالیست پسند مناسب است.

کمونیسیت‌ها باید مبارزه برای حقوق بشر را با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دنیای کنونی پیوند زنند. شکنجه از نظر کمونیسیت‌ها بد و خوب ندارد، حقوق اسرای جنگی و یا حتی جنایتکاران خدشه ناپذیر است. نقض حقوق ملل و تجاوز به عراق و افغانستان و یوگسلاوی ضدیت آشکار با حقوق بشر است و توسط دشمنان بشریت صورت می پذیرد. اشغال سرزمین قدس و تاراندن سه میلیون فلسطینی و نقض حق حیات مستقل آنها ضدیت با بشریت است و باید محکوم شود. نمی شود مطابق تبلیغات صهیونیست‌ها و جاسوسان آنها که اسرائیل را کشور دموکراتیک می خوانند جنایت علیه خلق فلسطین را مورد تأیید قرار داد.

حزب ما رهنمودش این است که در همه فعالیت‌های مربوط به حمایت از حقوق بشر، باید با طرح شعارهای درست و افشاءگرانه دست مأموران خود فروخته امپریالیست‌ها، ناسیونال شونیست‌ها، خودفروختگان باز شود. باید روشن شود که مدافعین واقعی

حقوق بشر چه کسانی هستند و چه کسانی کاسبکارانه در پی آن هستند تا جای ناقضین حقوق بشر را با یک دیگر تعویض کنند. حقوق بشر انتزاعی و مجرد وجود خارجی ندارد.

مبارزه برای تحقق حقوق بشر از مبارزه بر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی می‌گذرد. حقوق بشر امپریالیستی حقوق بشری است که ابناء بشر را به دسته‌ای از انسان‌های مستحق شکنجه و بی حقوق و وحشی و غیر متمدن، با حجاب و مسلمان و مسلمان سیاسی و یا به دسته دیگری از انسان‌های به اصطلاح "لائیک"، "مدرن"، بی حجاب و مسلمان غیر سیاسی، هوادار خصوصی سازی، سازمان تجارت جهانی، جامعه باز ... که شایسته برخورداری از حقوق بشر هستند تقسیم می‌کند. چنین تفکر بیمارگونه جرج بوشی و یا تونی بلری با تفکر خمینی و لاجوردی فرقی ندارد. و پیروان این دو تفکر نیز هر دو از یک قماشند.

بر رفقای حزبی است که هرگز به دام حمایت از حقوق بشر انتزاعی نیافتند و مرعوب تبلیغات امپریالیستی نشوند. به حمایت از سازمان‌ها و تشکل‌ها و گروه‌هایی نپردازند که سیاست روشنی در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم ندارند و همواره مترصدند که سخنان جرج بوش‌ها و اوباماها را نشخوار کنند. حمایت از حقوق بشر نباید تجزیه بردار باشد و آنجا که با نیت شوم این سیاست تعقیب می‌شود باید نخست به روشنگری و به اصلاح آن دست زد و در صورت مقاومت طراحان آنها باید، با طرح‌های مناسب و تدوین شده با روح این مقاله که در دست است ماهیت امپریالیستی و دسیسه چینه‌ای این "بشردوستان" صهیونیست و امریکائی را بر ملا ساخت، باید مستقلاً با نقض حقوق بشر به مبارزه پرداخت و نشان داد که حقوق بشر مشخص بخشی از حقوق بشر جهانی و جزئی از کل می‌تواند باشد و تنها در این رابطه قابل تفسیر است. لعنت بر کسانی که با نقاب بشر دوستی برای اسارت بشریت زنجیر می‌سازند. این شیوه، تاریخی طولانی دارد.

افشاء سیاست‌های دورویانه امپریالیست‌ها و حقوق بشر

برای مقابله با دسیسه‌های امپریالیست‌ها در نقض مستمر دستاوردهای مترقی بشریت، برای افشاء سیاست‌های دورویانه آنها و برای پیشبرد یک مبارزه ایدئولوژیک با دورنما و افشاء کننده باید مبارزه برای تحقق حقوق بشر و حقوق ملل را با مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک پیوند زد. زیرا مبارزه دموکراتیک بخش جداناپذیری از مبارزه ضد امپریالیستی و برعکس است. باید اشکال مشخص این مبارزه را پیدا کرد و در عمل به کار برد. آنچه به ایران مربوط می‌شود باید افشاء سرکوبگری‌ها و نقض حقوق بشر طبقه حاکمه را در ایران با نقض حقوق بشر مدعیان حمایت از حقوق بشر در جهان پیوند زد و نشان داد مؤسسين ابوغریب، بگرام، گوانتانامو، حامیان تجاوز به عراق و افغانستان و لبنان، حامیان اشغال سرزمین‌های فلسطین و قتل عام مردم فلسطین نمی‌توانند حامیان صالح و بی غرضی در مورد حقوق بشر باشند. آنها که مبارزه برای تحقق حقوق مدنی در ایران را با روح این مبارزه برای تحقق جهانی آن پیوند نمی‌زنند و خود از مجموعه این مبارزه جهانی منزوی می‌کنند بهترین خوراک‌های امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی هستند. این قربانی شدن اساساً به خواست ذهنی افراد وابسته نیست آنها به طور عینی و در عمل در حالی که به کارشان ایمان عمیق دارند در مجرای سیاست‌های رخنه گرانه و در جهت سیاست‌های راهبردی امپریالیست‌ها حرکت می‌کنند و در عمل استقلال خویش را که بر پرچم خویش به حروف بزرگ نوشته‌اند: "ما مستقل و به هیچ حزب و دسته و گروهی وابسته نیستیم" از دست می‌دهند. به این جهت حزب ما بر آن است که در مبارزه دموکراتیک هرگز نباید به تنگ نظری دچار شد. هرگز نباید مبارزه دموکراتیک را در دوران کنونی از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جدا کرد. آن کس که این کار را به علت تنگ نظری و برای راحت طلبی و فرار از مشکلات نپذیرد روزی چشمش باز خواهد شد که مرتجع دیگری بر گردهاش نشسته و سواری می‌طلبد.

نقل از فیسبوک حزب کار ایران (توفان)

سخن هفته

۲۰ نوامبر ۲۰۱۰

.....

دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!

اعتصاب سراسری به مناسبت روز دانشجو

خلاصه‌ای از بیانیه بخشی از فعالان دانشجویی برای اعتصابات سراسری در دانشگاه‌های ایران به مناسبت روز دانشجو.



بخشی از فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های تهران: دانشگاه تهران- دانشگاه علامه طباطبایی- دانشگاه علم و صنعت ایران- دانشگاه امیر کبیر- دانشگاه صنعتی شریف- دانشگاه شهید بهشتی- دانشگاه تربیت معلم تهران بیانیه‌هایی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو انتشار داده و دانشجویان را متحداً به اعتصاب سراسری دعوت نموده‌اند. ما نیز جهت انعکاس مبارزات این دانشجویان که با شعار اتحاد و یگانگی به میدان آمده و آن را به پرچمی علیه رژیم منفور جمهوری اسلامی تبدیل نموده‌اند، خلاصه‌ای از این بیانیه را که تحت نام بیانیه شماره ۲ منتشر شده است، در توفان الکترونیک به چاپ می‌رسانیم و از مبارزات مشترک و ابتکارشان برای برگزاری این اعتصاب پشتیبانی می‌کنیم:

« از آنجائی که اولین بیانیه این گروه در آستانه فرارسیدن ماه آذر و ماه دانشجو و فراخوان برای اعتصابات سراسری دانشجویی در سراسر دانشگاه‌های تهران و شهرستان؛ با استقبال زیادی در سایت‌های خبری و اجتماعی و در محافل دانشجویی روبه رو شد؛ ما جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران در راستای تحقق هر چه بهتر این اعتصاب و منسجم بودن و هماهنگ بودن آن در پوشش يك اعتصاب واقعی سراسری دانشجویی برنامه‌های خود را پیشنهاد می‌دهیم:

۱- در روز ۱۵ آذر ماه همه دانشجویان باید با حضور در دانشگاه از رفتن به کلاس درس خودداری کرده و در مقابل دانشکده‌های مربوطه تجمع نمایند. دانشجویان در این روز می‌توانند با در دست داشتن پلاکارد یا عکس‌هایی با مضمون دانشجو و ۱۶ آذر برای فردای آن روز که ۱۶ آذر ماه می‌باشد برنامه ریزی کنند. ما از همه دانشجویان می‌خواهیم تا رفتن به کلاس درس را در این روز و روزهای بعد تعطیل کنند. در دانشگاه‌هایی که چند دانشکده نزدیک به هم دارند دانشجویان می‌توانند با به هم پیوستن به هم فریاد اعتراضات خود را در صحن دانشگاه طنین انداز کنند. هم‌چنین با دادن پیام‌هایی در قالب بیانیه و اطلاعیه از دانشجویان سایر دانشگاه‌های کشور از دولتی و آزاد گرفته تا پیام نور و هر دانشگاه دیگری بخواهند که به جمع اعتصابیون بپیوندند. برای جلوگیری از اتفاقات به دور از شأن فعالیت مدنی که ممکن است مثل هر زمان دیگری نیروهای خودسر به راه بیندازند دانشجویان باید هوشیار و آگاه باشند.

عزیزان دانشجو نیاز به گفتن نیست که اگر در این روز بتوانیم به این شیوه و با اعتماد و شجاعت کامل عمل نمائیم قطعاً نه تنها برای روزهای بعد منسجم تر و هماهنگ تر شده‌ایم بلکه با بُرد خبری آن می‌توانیم دانشجویان بیشتری را با خود همراه کنیم.

۲- در روز ۱۶ آذر ماه همه دانشجویان با برگزاری مراسم بزرگداشت روز دانشجو محکم تر از دیروز باید فریاد حق طلبی و آزادی خواهی خود را سر دهند. در این روز نیز دانشجویان باید از رفتن به کلاس درس خودداری کرده و در صحن علنی هر دانشگاه تجمع کرده و خواسته‌های خود را در قالب بیانیه اعلام بدارند. از آنجائی که ایران عزیز امروز روزهای سخت و دردناکی را به خود می‌بیند این وظیفه ملی و انسانی ما دانشجویان به عنوان قشر تحصیل کرده می‌باشد که در قبال سرنوشت کشورمان و ملت مان و خودمان احساس مسئولیت کنیم و انزجار خود را از وضع آشفته کشورمان نشان دهیم. همه ما می‌دانیم که چه انسان‌های آزاده و بی‌گناهی که امروز در زندان‌های حکومت نامشروع جمهوری اسلامی گرفتار آمده‌اند؛ همه ما از کشته شدن دوستان و همکلاسی‌هایمان به دست عوامل حکومت با خبریم؛ همه ما دوستان و همکلاسی‌های دربندمان را هنوز می‌شناسیم و هر روز می‌شنویم از فشارها و شکنجه‌هایی که بر آنها روا داشته می‌شود؛ همه ما اوضاع بد و دردناک اقتصاد ملی را به خاطر سیاست‌های سوء و کینه توزانه رژیم با تمام وجود لمس می‌کنیم؛ همه ما شور و اشتیاق و امید مردم را دیدیم و دیدیم که خودکامه گان چطور یأس و ناامیدی و افسردگی را به چهره ملت ما پاشیدند؛ همه ما هنوز یاد سهراب‌ها و نداها و کمانگرها را در خاطرمان گرامی می‌داریم؛ همه ما می‌دانیم که چشم امید ملت دردمندان به ما به عنوان جوانان تحصیل کرده و دانشگاهی دوخته شده و می‌دانیم که جمهوری اسلامی از به بند و زنجیر کردن و کشتن و اعدام ابائی ندارد و مثل خون آشامی است که هر روز از خوردن خون ملت بیشتر لذت می‌برد

با همه اینها این وظیفه ملی و انسانی ماست که در حد توان خود انزجار و تنفر خود را نسبت به این اوضاع اسفناک اعلام داریم. روز ۱۶ آذر که روز گرامیداشت سه دانشجوی شهید و کشته شده راه آزادی و عدالت هست فرصت بسیار مناسبی است تا جنبش دانشجویی برای اولین بار متفاوت از همیشه و در قالب یک جنبش سراسری و منسجم این دین خود را جامه عمل بپوشاند. در این روز دانشجویان باید خواستار آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شده و محاکمه عاملین این جنایت ضد بشری را خواستار شوند. دانشجویان باید بر مسئله استقلال و آزادی دانشگاه تأکید کرده و خواستار بازگشت اساتید دلسوز و گرانقدر بازداشت شده و اخراج شده به جمع دانشگاه شوند

۳- در روز ۱۷ آذر نیز دانشجویان باید با حضور در دانشگاه‌ها از رفتن به کلاس درس خودداری نمایند و یک بار دیگر با جمع شدن در مقابل دانشکده‌ها بر مواضع خود پافشاری کنند. بعد از آن با تشکیل اجتماعات بزرگ تر اقدام به راهپیمائی آرام در دانشگاه نمایند.

همکلاسی‌های ما امروز در زندان‌های پوشالی رژیم نامشروع گرفتار آمده‌اند. ما باید در این روز خواستار آزادی هر چه سریع تر همکلاسی‌هایمان و بازگشت سرفرازانه آنها به جمع دانشگاه باشیم. عزیزان امید است که با یاری شما در این سه روز برای اولین بار در تاریخ جنبش دانشجویی ایران متفاوت ظاهر شویم.

در پایان از همه، از همه دوستانی که این بیانیه را می‌خوانند می‌خواهیم در گسترش آن ما را یاری دهند. از کسانی که در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی فعالیت می‌کنند می‌خواهیم تا این بیانیه را به صورت گسترده منعکس نمایند. الان به خاطر جو امنیتی و پلیسی حاکم بر جامعه هر کدام از ما خود یک لیدر برای این اقدام مبارک و عظیم محسوب می‌شویم. هر فرد باید این خبر را به نوبه خود چه در سطح دانشگاه‌ها و چه در سطح خوابگاه‌های دانشجویی و یا سایت‌های خبری و یا حتی رسانه‌های شنیداری و دیداری منعکس نماید»

روز قطعی جدال یعنی قهر انقلابی

تاریخ جمهوری اسلامی تاریخ ۳۱ سال شکنجه و اعدام، سنگسار زنان، کشتار و سرکوب خونین دگراندیشان و دروغ و تزویر و ربا و تاریخ ۳۱ سال غارت ثروت و دسترنج مردم ایران است. رژیم جمهوری اسلامی به رهبری ولی فقیه، سیدعلی خامنه‌ای داوطلبانه و با میل خود، از طریق فراندم و یا تظاهرات‌های خیابانی دست از قدرت نمی‌کشد، همان طور که رژیم شاه نکشید و تا آخرین روزهای حیات ننگین خویش از گشودن گلوله به سوی مردم دریغ نمود. بدین رو باید حقیقت را به مردم گفت و آنها را برای روز قطعی جدال یعنی قهر انقلابی علیه رژیم آماده کرد. تاریخ ایران در این جهت پیش می‌رود و ما مارکسیست‌ها لنینیست‌ها باید این ناقوس تاریخ را که به ما گوشزد می‌کند، بشنویم و خود را برای رهبری امواجی که در راه‌اند آماده گردانیم. هر روز صف بندی‌ها روشن تر می‌گردد و آنها که منافع خود را در چهارچوب نظام سرمایه‌داری و ولایت فقیه و یا بدون ولایت فقیه می‌بینند و در لباس پیغمبران جدید ظاهرگشته‌اند و عدم توسل به قهر را برای مردم موعظه می‌کنند، دشمنان مردم ایرانند و در عمل سیاست اعمال قهر حاکمیت و انحصار آن را در دست رژیم نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی به رسمیت می‌شناسند. این جریانات ضد انقلاب و طرفداران تقلبی اعلامیه جهانی حقوق بشر، از یاد برده‌اند و یا خود را به نفهمی می‌زنند که در بیانیه جهانی حقوق بشر اصل توسل به قهر در دفاع از خود به عنوان آخرین وسیله ممکن به رسمیت شناخته شده است و محافلی که چنین اصلی را نادیده می‌گیرند مدافع قهر و خشونت ضد انقلابی جمهوری اسلامی‌اند و جز این نیز نمی‌باشد.

«تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند.»

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

اشغال عراق:

جنگی برای نابودی معنویات مردم عراق سمیناری به دعوت انجمن همبستگی با خلق عراق در استکهلم

اخیراً سمیناری به دعوت انجمن همبستگی با خلق عراق در استکهلم، سوئد با شرکت دیرک آدریانسن، عضو "تربیونال راسل" برگزار گردید. وی نکاتی را در مورد تخریب معنوی مردم عراق، نهادهای آموزشی فرهنگی مردم توسط نیروهای بربرمنش اشغالگر به زعامت آمریکا بر شمرد که وجدان هر انسان تشنه آزادی و بشردوست را معذب می کند. دیرک آدریانسن یکی از چهره‌های شناخته شده بین‌المللی و مخالف سرسخت جنگ آمریکا علیه عراق است. وی طرح تجاوز، توطئه و ویرانی عراق توسط امپریالیست آمریکا را از سال ۱۹۹۰ میلادی به دقت دنبال کرده و یکی از نویسندگان کتاب تخریب فرهنگی در عراق است. وی در این کتاب موشکافانه به علل تخریب فرهنگ و تمدن عراق توسط قوای متجاوز پرداخته و سؤال مهمی مطرح می‌کند:

«هدف اشغالگران از غارت موزه‌های تاریخی و فرهنگی، سوزاندن کتابخانه‌ها و کشتار متخصصین و تحصیل کرده‌های عراقی چیست؟». وی در پاسخ به این سؤال نقش کثیف نیروهای استعماری به رهبری آمریکا و ویرانی هدفمند حیات اقتصادی و معنوی عراق را بر ملا می‌سازد و افکار عمومی را نسبت به فجایع عراق جلب می‌کند.

وی که به همت چند تن "تربیونال برتراند راسل" را تأسیس نموده است هدفش بررسی و افشاء سیاست جنگی آمریکا و محاکمه مسببین قتل عام مردم عراق است. این تربیونال می‌خواهد همان نقشی را ایفا کند که در روزگار جنگ ویتنام دنبال می‌کرد. آدریانسن مجدانه قتل عام هدفمند و فاشیستی روشنفکران عراق توسط امپریالیست آمریکا را مورد تحقیق و بررسی قرار داده و با استناد به مدارک زنده و انکارناپذیر به افشای اهداف شوم و ویرانگر نیروهای استعماری می‌پردازد. وی می‌گوید:

«عراق در سال ۱۹۷۹ میلادی جایزه موفق‌ترین سیستم آموزش را توسط یونسکو دریافت کرد و در آن روزگار همه مردم عراق در کلیت خویش می‌توانستند بخوانند و بنویسند. لیکن هم اکنون به خاطر جنگ و اشغال، پدیده بیسوادی که زمانی در عراق محو شده بود مجدداً سر برآورد و اکنون به برکت این اشغال ۲۰ درصد مردم عراق بیسوادند و نیمی از کودکان عراقی در آغاز سال تحصیلی در صحنه حاضر نیستند»

آدریانسن در این سمینار با اشاره به صدها مقاله تحلیلی و علمی می‌گوید:

«کشتار تحصیل کرده‌ها و فرهیختگان عراقی اعم از استادان و خبرنگاران بیدار وجدان علیرغم تبلیغات دروغین آمریکا و رسانه‌های وابسته استعماری در مورد آرام شدن فضای عمومی عراق، هم چنان ادامه دارد. بسیاری از روشنفکران عراقی مجبور به جلائی وطن شدند و ۸۰ درصد از آموزگاران مدارس نابود و در صحنه آموزش حضور ندارند. ۷۰۰ مدرسه توسط اشغالگران بمباران شد، ۲۰۰ مدرسه در آتش سوخت و خاکستر شد، ۳۰۰ مدرسه غارت شد و بسیاری از مدارس آموزشی به پایگاه پلیس و ارتش تبدیل شدند.»

وی در ادامه می‌گوید:

«وضعیت درمان و بهداشت در عراق بهتر از اوضاع آموزشی نیست. تحریم‌های بیرحمانه اقتصادی در سال‌های ۹۰ تأثیر مخربی در سیستم درمان و بهداشت عراق گذاشته است به طوری که ۷۵ درصد پرسنل پزشکی مجبور به ترک شغل خود شدند. ۲۰ هزار از ۳۴ هزار پزشک عراقی کشور را ترک کردند و ۲۰۰۰ نفر تا کنون جان باختند. با این وصف عجیب نیست که وضعیت بهداشت و درمان مردم عراق تا این اندازه سقوط کرده است. مرگ و میر کودکان پس از سال ۱۹۹۰، ۱۵۰ درصد افزایش داشته است.»

دیرک آدریانسن به وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان عراق اشاره می‌کند و می‌گوید:

«طبق آمار رسمی بیش از نیمی از مردم عراق بیکار هستند. بخش بزرگی از شاغلین حقوقی کمتر از یک دلار در روز دارند. نیروهای متجاوز هدفمند و آگاهانه عراق را ویران کردند. آمریکا سریعاً طرح خصوصی سازی‌ها در عراق را برای کسب سود شرکت‌های چند ملیتی فراهم آورد.»

وی در مورد خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از خاک عراق در پایان ماه اوت سال جاری می‌گوید:

«بیش از ۵۰۰۰۰ از قوای نظامی آمریکا هم چنان در خاک عراق حضور دارد و نیروهای ویژه و سرکوب رژیم عراق تحت کنترل و نظارت فرماندهی پنتاگون قرار دارد. اکنون جنگ تبلیغاتی کثیفی در رسانه‌های خارجی جریان دارد. دامن زدن به اختلافات مذهبی، تضاد شیعه و سنی و اشاعه تصویر وحشت از مسلمان‌ها به عنوان مردمان وحشی خشونت‌گرا همه از یک جنگ کثیف تبلیغاتی دلالت دارد. علیرغم این اما پیکار علیه متجاوزین ادامه دارد. اشغال عراق توسط جرج بوش برای ایجاد یک جهان تک قطبی آغاز شد، حال اجازه دهید تا ما نیز مبارزاتمان را برای همبستگی بین‌المللی و جهان چند صدائی ادامه می‌دهیم.»

در تکمیل نظرات دیرک آدریانسن آمار زیر را که توسط صباح البغدادی به رشته تحریر درآمده و با همت ع. سهند ترجمه شده است را انتشار می‌دهیم تا روشن تر جنایات آمریکا در عراق را از زبان آمار بیان کرده باشیم.

«آمار رسمی دولتی زیر، تا دسامبر ۲۰۰۸، شرایط فاجعه‌بار غالب بر عراق را از زمان حمله آمریکا و اشغال آن کشور نشان می‌دهد.

- ۱ - یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) بیوه زن عراقی (بنا به گزارش وزارت امور زنان عراق).
- ۲ - چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) کودک یتیم عراقی (بنا به تخمین وزارت برنامه‌ریزی عراق).
- ۳ - دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) کشته عراقی (بنا به گزارش وزارت بهداشت و پزشکی قانونی عراق).

- ۴ - هشتصد هزار (۸۰۰۰۰۰) عراقی ناپدید شده در بازداشتگاه‌های مخفی مرتبط با احزاب گوناگون حاکم (بر اساس شکایت‌های ثبت شده در وزارت کشور عراق).
- ۵ - سیصد و چهل هزار (۳۴۰۰۰۰) زندانی عراقی که بدون اعلام جرم، در زندان‌های ارتش ایالات متحده، زندان‌های دولت عراق، و زندان‌های واقع در منطقه کردستان به سر می‌برند (بنا به گزارش سازمان‌ها و آژانس‌های حقوق بشر عراقی، عرب، بین‌المللی و سازمان ملل).
- نیروهای اشغالگر ایالات متحده رسماً قبول دارند که تعداد بازداشت شدگان عراقی در زندان‌های آن‌ها حدود صد و بیست هزار (۱۲۰۰۰۰) نفر است.
- ۶ - چهار و نیم میلیون (۴۵۰۰۰۰۰) آواره عراقی در خارج از عراق (بنا بر آمار متقاضیان گذرنامه (نوع ث) از اداره مرکزی صدور گذرنامه).
- ۷ - دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) عراقی آواره در داخل عراق (به گزارش وزارت آوارگان عراق).
- ۸ - هفتاد و شش هزار (۷۶۰۰۰) مورد ثبت‌نام شده ایدز در عراق؛ این رقم قبل از تجاوز به عراق و اشغال آن کمتر از ۱۴ مورد بود (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق).
- ۹ - گسترش ترسناک استفاده از مواد مخدر وارداتی از ایران در میان جوانان (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق و مرکز مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد).
- من درباره شیوه‌های گوناگون قاچاق مواد مخدر، که برخی از آن‌ها بسیار سمی هستند، و چگونه آن‌ها در جاهای مختلف در مناطق جنوبی تحت کنترل برخی از احزاب و میلیشهای شرکت کننده در دولت انبار می‌شوند، و چگونه سود حاصل از فروش مواد مخدر در جهت به دست آوردن حمایت و سکوت مقامات دولتی صرف خریدن آن‌ها (پرداخت رشوه) و کمک به کارزارهای انتخاباتی آن‌ها می‌شود، یک سری مقالات تحقیقی نوشته‌ام.
- ۱۰ - از زمان تجاوز و اشغال عراق، از هر چهار ازدواج سه ازدواج به طلاق می‌انجامد (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق).
- ۱۱ - بیش از چهار درصد عراقی‌ها زیر خط فقر قرار دارند (بنا به گزارش وزارت حقوق بشر عراق).
- اما من معتقدم درصد واقعی بسیار بالاتر و بیش تر از ۵۵ درصد است.
- ۱۲ - کاهش سطح کیفیت آموزش ابتدائی و عالی، بر اساس بیانیه‌های مقامات رسمی در یونسکو، که باعث شد این سازمان مدارک تحصیلی صادر شده از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی عراق را به رسمیت نشناسد.
- ۱۳ - ده‌ها هزار مدرک دانشگاهی تقلبی به مقامات ارشد دولتی، افسران ارشد، مدیران کل، و مقامات ارشد احزاب سیاسی اعطا می‌شود (بنا به بیانیه‌ها و آمار کمیسیون صداق و شفافیت عراق).
- ۱۴ - حدود ۵۵۰ نهاد سیاسی و ائتلاف‌های حزبی وجود دارد (بنا به گزارش کمیسیون مستقل انتخابات همگانی). و تا امروز، هیچ قانونی برای نظارت بر این تعداد نهاد‌های سیاسی وجود ندارد.
- ۱۵ - حدود یازده هزار و چهار صد (۱۱۴۰۰) عدد سازمان‌های جامعه مدنی وجود دارد (بنا به گزارش وزارت کشور و وزارت عدالت و رفاه اجتماعی عراق).
- این سازمان‌ها دارای اهداف آشکار و پنهان هستند، روشن نیست این اهداف کدامند و بودجه آن‌ها از کجا تأمین می‌شود.
- ۱۶ - صد و بیست و شش (۱۲۶) شرکت امنیتی تحت کنترل آژانس‌ها و سرویس‌های مخفی خارجی و وزارت کشور عراق وجود دارد. هدف اعلام شده این شرکت‌ها حمایت از سفارتخانه‌های خارجی، دیپلمات‌های خارجی، و مهمانان رسمی بازدید کننده از کشور است. با این وصف، اهداف پنهان آن‌ها معلوم نیست. در این صورت، برای چه یک میلیون عراقی مسلح وجود دارد که در بین وزارتخانه‌های دفاع، کشور، آژانس‌های امنیتی دولتی گوناگون، و آژانس‌های امنیتی احزاب حاکم گوناگون تقسیم شده‌اند؟
- ۱۷ - هفده (۱۷) میلیشای مسلح رسمی ثبت شده مرتبط با احزاب سیاسی وجود دارد.
- ۱۸ - دویست و بیست (۲۲۰) روزنامه و رسانه انتشاراتی وجود دارد که بودجه آن‌ها را آژانس‌های سرویس‌های مخفی خارجی تأمین می‌کنند (بنا به گزارش اتحادیه روزنامه نگاران عراق).
- اهداف مشخص این مطبوعات شستشوی مغزی عراقی‌ها، منحرف کردن افکار آن‌ها از طرح‌های مختلفی که تجزیه عراق به دولت‌های کوچک فرقه‌گرایی منطقه‌ای و قومی را دنبال می‌کند، و نابود کردن هویت ملی آن‌هاست.
- ۱۹ - چهار و پنج کانال تلویزیونی وجود دارد که بودجه آن‌ها را آژانس‌های سرویس‌های مخفی خارجی تأمین می‌کنند (بر اساس بیانیه‌های مدیران تأمین کنندگان خدمات ماهواره‌های Arabsat و Nilesat).
- ۲۰ - شصت و هفت (۶۷) ایستگاه رادیویی وجود دارد که بودجه آن‌ها را آژانس‌های سرویس‌های مخفی خارجی تأمین می‌کنند (بر اساس بیانیه‌های کمیسیون اطلاعات عراق).
- ۲۱ - چهار شبکه مخابراتی دیجیتال، به ارزش ۱۲ میلیارد دلار، متعلق به رهبران سیاسی وجود دارد. شرکت‌های زیر از جمله شرکت‌های این شبکه‌اند:

- شرکت کورک Kork متعلق به مسعود بارزانی (رئیس‌جمهور منطقه کردستان)؛
- شرکت آسیا Assia انحصاراً متعلق به جلال طالبانی (رئیس‌جمهور عراق)؛
- شرکت زین Zein (کویت) که ۵۰ درصد آن متعلق به احمد چلبی و حزب الدعوة اسلامی است؛

زنده باد همبستگی با مبارزات خلق عراق علیه اشغالگران امپریالیست و صهیونیست!

● شرکت اطیر Ather که انحصاراً به عبدالعزیز حکیم تعلق دارد.

۲۲ - بیش از یازده هزار و چهارصد (۱۱۴۰۰) دفتر حزبی رسمی و غیر رسمی وجود دارد. این‌ها می‌توانند دفتر یک شرکت تقلبی مقاطعه‌کاری، یا دفتر یک سازمان غیردولتی، یا دفتر یک گروه سیاسی باشد. با این وصف، این دفاتر اماکن عمومی متعلق به دولت عراق هستند که پس از از بین بردن صاحبان قانونی آن‌ها، یا اجبار آن‌ها به تخلیه آن دفاتر و رفتن به جاهای دیگر، اشغال شده اند. پول همه این‌ها از بودجه ملی عراق تأمین می‌شود.

این تنها گوشه‌ای از آن چیزی است که از زمان تجاوز آمریکا به عراق و اشغال آن در "عراق نوین دمکراتیک آن‌ها" می‌گذرد. این مقاله برای اولین بار در سایت www.kanaanonline.org منتشر شد. صباح البغدادی یک روزنامه‌نگار و پژوهشگر مستقل عراقی است. دکتر خلیل نخله، پژوهشگر فلسطینی آن را به انگلیسی ترجمه کرده است

www.edalat.org/sys/content/view/۳۶۷۵۴۷

www.kanaanonline.org"

اصلاح قانون کار یا نابودی دستاوردهای زحمتکشان

بیانیه مشترک

سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

هیئت بازگشائی سندی‌کای کارگران فلزکار مکانیک

آذر هشتاد و نه



مبارزات طبقه کارگر ایران برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارگری است. این اتحادیه‌های مستقل باید از حقوق کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت حمایت کنند. این اتحادیه‌ها تشکلهائی در مقابل اتحادیه‌های دولتی هستند که نقش آنها کنترل و آرام نگهداشتن طبقه کارگر است. ولی مبارزه برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری به معنی آن نیست که این اتحادیه‌ها وظیفه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت کارگری را بعهده دارند. این تصور رایج و اشتباهی است که در پاره‌ای نیروهای مدعی "چپ" وجود دارد. اتحادیه کارگری حزب نیست که وظیفه رهبری کسب قدرت سیاسی را داشته باشد. اتحادیه کارگری برای بهبود شرایط استثمار و نه برای نابودی استثمار مبارزه می‌کند. اتحادیه کارگری در عین مستقل بودن، مناسبات سامانه سرمایه داری را برسمیت می‌شناسد و در همان چارچوب خواهان بهبود شرایط زندگی و تدوین قوانین به نفع کارگران و با رعایت قوانین موجود است. مخلوط کردن وظایف اتحادیه کارگری و مسئله کسب قدرت سیاسی هم به حزب طبقه کارگر و هم به اتحادیه صنفی طبقه کارگر صدمه می‌زند. استقلال اتحادیه کارگری سراسری تنها به مفهوم اتخاذ تصمیمات مستقل و بدون اجبار از جانب دولت و سرمایه داران است نه بیشتر و نه کمتر. حزب ما از مبارزات برحق کارگران برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل در جهت تحقق حقوق حقه خویش دفاع میکند و از هیچ کوششی در امر تقویت پیکار مشترک کارگران دریغ نمی‌ورزد. بیانیه مشترک زیر و محتوای آن نشان دهنده آگاهی کارگران و عزم متحدشان علیه رژیم جمهوری اسلامی و قوانین ضد کارگری در ایران است.

زنده باد پیکار متحد کارگران ایران علیه رژیم ضد کارگری سرمایه داری جمهوری اسلامی

هیئت تحریریه

توفان الکترونیکی

اصلاح قانون کار یا نابودی دستاوردهای زحمتکشان

اخباری که این روزها از فرانسه و کشورهای دیگر اروپائی منتشر می‌شود حاکی از هجوم به دستاوردهای زحمتکشان این کشورهاست. افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال را رئیس جمهوری مردم سنیز و دوستدار سرمایه‌داری فرانسه به مجلس این کشور برای تصویب پیشنهاد کرده است. طبقه کارگر فرانسه با اعتصاب گسترده و فلج کردن اقتصاد سرمایه‌داری فرانسه و ضرر و زیان صدها میلیون یورویی به سرمایه‌داری جهانی این هجوم را پاسخ داده است. نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی که برای استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان دنیا به نفع عده‌ای قلیل ارائه گشته، این روزها به دروازه‌های میهن عزیزمان ایران رسیده است. از سخنرانی سارکوزی رئیس جمهور فرانسه که اعلام می‌کند زحمتکشان فرانسه باید ریاضت اقتصادی را تحمل کنند تا کسب و کار و سرمایه گذاری در فرانسه رونق بگیرد. با این سخنان وزیر کار که تشویق سرمایه گذاری و بهبود فضای کسب و کار از

رویکردهای لایحه اصلاح قانون کار است، چه تفاوتی می‌کند؟ از نظر ما کارگران، قانون کار می‌باید در حمایت از طبقه کارگر و زحمتکشان باشد زیرا سرمایه‌داران با دارا بودن امکانات مالی و این مسئله که نان کارگران در دستان اینان می‌باشد از هر حربه‌ای برای تعدی به حقوق و دستاوردهای زحمتکشان ابائی ندارند، پس کارگران جز با توسل به قانون کار و قانون اساسی هیچ امکان دیگری برای مقابله با زورگویی کارفرمایان نخواهند داشت. به همین خاطر، ما کارگران به نسخه‌های خاتمان برانداز صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی که نابودی اقتصاد ملی و غارت ثروت ملی مان را با همدستی سرمایه‌داری انگل تجاری داخلی نشانه رفته است، مخالف هستیم. آنچه ما را بر آن داشت تا این بیانیه را به اطلاع دیگر زحمتکشان برسانیم، بررسی مخفیانه اصلاح قانون کار در کمیسیون مجلس است. ما اعلام می‌کنیم:

۱ - در اصلاحیه قانون کار، فصل ششم هیچ اسمی از سندیکاهای کارگری به میان نیامده است. در صورتی که در ماده ۱۰۱ برنامه توسعه چهارم و در رابطه با مقوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ و آزادی تشکیل سازمان‌های مستقل کارگری به سازمان بین‌المللی کار قول اجرائی شدن این ماده داده شده بود. در این اصلاحیه حتی شوراهای اسلامی به یک نماد بی‌خاصیت که تنها نظاره‌گر پیامال شدن حقوق کارگران است بدل گردیده و طراحان این اصلاحیه، ماده ۳۳ قانون کار ضد کارگری محمد رضا شاه را دوباره زنده کرده و به کارفرمایان حقوقی بیشتر از زمان ستم شاهی برای اخراج بی‌قید و شرط داده است، که این نقض آشکارمقدمه قانون اساسی بخصوص سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان می‌باشد.

۲ - در اصلاحیه قانون کار برای کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری از توافق کارگران با کارفرمایان صحبت به میان آمده است. آیا کارفرمایان با دارا بودن همه امکانات و طبقه کارگر بدون امکانات و حتی سندیکاهای کارگری چگونه می‌توانند در یک شرایط مساوی با هم توافق بکنند آن هم در مورد دستمزد، بیمه و سایر مسائل رفاهی؟ حذف پیمان‌های دست جمعی و حداقل حقوق از دیگر اصلاحات قانون کار است و این به معنای زیرپا گذاشتن بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی است.

۳ - در اصلاحیه قانون کار، جهت کاهش قیمت تمام شده کالاها و خدمات از کاهش مدت بیمه بیکاری به ۲ سال و کاهش مبلغ بیمه بیکاری به نصف و حتی حذف بیمه اجباری کارگران سخن به میان آمده است. آیا این مقدمه حذف اصل ۲۹ قانون اساسی نیست؟

۴ - در اصلاحیه قانون کار، از بهسازی قراردادهای موقت نام برده شده است طبقه کارگر می‌گوید که قراردادهای موقت باید لغو شود نه بهسازی. در اصلاحیه پا را از این هم فراتر گذاشته. از روزمزدی و حتی کارساعتی و کنترات هم نام برده شده است، که: این به معنای بردگی کامل و برگشت به قرون ۱۸ میلادی است. تدوین کنندگان این اصلاحیه حتی نظری به بند ۱ و ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی نینداخته و این اصل را عمداً نادیده گرفته‌اند.

۵ - در اصلاحیه، برای آسان شدن سرمایه‌گذاری، کارگاه‌های تا ۲۰۰ نفر از مشمولیت قانون خارج خواهند گردید. که این کامل تر شدن بخشنامه ۷۸/۱۲/۱۰ وزارت کار و خروج کارگاه‌های زیر ۵ نفر از مشمولیت قانون است که در آن زمان بیش از ۲/۸۰۰/۰۰۰ نفر از قوانین حمایتی محروم شدند و هم چنین خارج شدن مناطق ویژه تجاری از مشمولیت قانون کار را باعث گردید. که این نیز به فراموشی سپردن اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی است و این عاملی خواهد بود تا بخش بازرسی وزارت کار منحل و دیگر هیچ نظارتی بر عملکرد کارفرمایان اعمال نشود. آن چه اعتراض زحمتکشان را در سراسر دنیا برانگیخته است، توصیه سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول به دولت‌ها است که از هر قانونی که به نفع طبقه کارگر باشد جلوگیری شود. در کشور ما نیز برای آن که خیال کارفرمایان و سرمایه‌داری انگل تجاری راحت شود زمزمه انحلال سازمان تأمین اجتماعی، تعاونی‌های مصرف و مسکن به گوش می‌رسد و با واردات بی‌رویه، نابودی زیرساخت‌های کشور را نشانه گرفته‌اند. زحمتکشان در سراسر دنیا و به خصوص در ایران این رویکردهای ضد کارگری را قبول نخواهند کرد. اگر در فرانسه، یونان، انگلستان، اعتصاب و تظاهرات در رسانه‌های کشورمان بدل به یک بی‌عدالتی در حق مردم این کشورها تلقی می‌گردد، متأسفانه در کشورمان اعتراضات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، کارگران کارخانه فرش بابلسر، کارگران کارخانه لاستیک سازی البرز، کارگران نیشکر هفت تپه با ضرب و شتم جواب داده شده است. دوستان سندیکائی!

ما و کارگران مبارز را به جرم حق خواهی، اعتراض به عقب افتادن ماه‌ها دستمزدهایشان و اعتراض به نابودی دستاوردهایشان و نادیده انگاشتن موادی از قانون اساسی که مربوط به زحمتکشان است، زندانی کرده‌اند. برادران و خواهران زحمتکش!

ما نخواهیم گذاشت آنچه دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان است با توصیه‌های سرمایه‌داری جهانی و تهاجم سرمایه‌داری انگل تجاری داخلی، از بین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان و قانون اساسی کافی است. داشتن قانون مترقی و حامی زحمتکشان، گسترش و تعمیق تأمین اجتماعی، ریشه کن شدن فقر و محرومیت، امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی، شرکت فعال در رهبری کشور، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصول قانون اساسی)، از حقوق مسلم و قانونی ماست و خواستار اجرائی شدنش هستیم.

دوستان کارگر!

بی‌تردید خواست ما آسان نیست، اما اتحاد و عزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری، پیش روی ماست. تصمیم و اراده ما آینده‌ای روشن برای فرزندانمان را به ارمغان خواهد آورد. تصمیم ما راهگشاست.

حزب عالی‌ترین شکل تشکیلات طبقاتی پرولتاریا است (لنین)

توفان شماره ۱۲۹ آذر ماه ۱۳۸۹

ارگان مرکزی

حزب کار ایران منتشر شد.

توفان در فیسبوک

توفان در توئیتر

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

[پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:](#)

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس اینترنتی: www.toufan.org

آدرس تماس: toufan@toufan.org

یوبلاگها زیر را نگاه کنید:

کارگراگاه <http://www.kargareagah.blogspot.com>

ظفر سرخ <http://kanonezi.blogspot.com>

توفان قاسمی <http://rahetoufan.blogspot.com>

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه‌داری، فاشیسم، صهیونیسم و امپریالیسم!